

گل احمد «حکیمی».

لحظه:

اشک سیاه بر چهره ی کنیدی گندمی:

کودکی سیاه پوست دامن مادرش را سخت گرفته بود و از او می پرسید: "مادر! چرا در آفریقا برف نمیبارد؟" مادر برایش میگفت: "اگر از خداوند چیزی را از طی دل بخواهی، او حتما آنرا برایت میدهد!". کودک از خداوند میخواست تا در سرزمینش برف بیارد. اما نمیبارد. باز به نزد مادر آمد و گفت: "من از خداوند خواستم تا در سرزمین ما برف بیارد، اما نیارید!". مادر برایش گفت: "برو بار دیگر از خداوند آنچه را خواستی بخواه!". کودک بار دیگر از خداوند خواست تا برف بیارد. و این بار حقیقتا بارید و همه جا از برف سفید پوشیده شد و دانه های اشک سیاه و گرم از چشمان کودک بر روی برف نشست و تا عمق آن فرو رفت و آن کودک بزرگ شد.



سخن از باراک او . با . ما ست . که با پیروزی در انتخابات ریاست جمهوری امریکا در سال 2008 به عنوان نخستین آمریکایی سیاهپوست رهبری بزرگترین قدرت اقتصادی و نظامی جهان را در دست می گیرد.

«باراک حسین اوباما» روز 4 اوت 1961 در شهر هونولولو، ایالت هاوایی آمریکا از یک پدر سیاهپوست کنیایی، که او نیز باراک . ن . اوباما نام داشت و یک مادر سفید پوست آمریکایی متولد شد.

باراک اوبامای پدر از قوم «لیو» بود که در کنیا و مناطق شرق یوگاندا و شمال تانزانیا سکونت داشت و یکی از اقلیت های قومی اصلی در کنیا محسوب می شوند. دین اکثر «لیوها» مسیحی است اما تعداد قابل توجهی از آنان، از جمله خانواده اوباما، از اسلام پیروی میکنند.

باراک اوبامای پدر در سن بیست و سه سالگی برای استفاده از یک بورس تحصیلی در دانشگاه «هونولولو» به تنهایی عازم آمریکا شد و در آنجا با یک دانشجوی دختر آمریکایی با اسم «دانهام» که اهل کانزاس بود آشنا شد و با او ازدواج کرد. اما این ازدواج دوامی نداشت و هنگامی که باراک اوبامای (پسر) دو سال داشت، به جدایی انجامید. او بعد از آن پسرش «باراک اوباما» را تنها یک بار دیگر در سال 1971 ملاقات کرده بود.

باراک اوبامای (پدر) پنج سال قبل از ازدواج همراه با «دانهام»، با دختری از قبیله خود نیز ازدواج کرده بود که از او صاحب چهار فرزند شده بود.

باراک اوبامای (پدر) بعد از خاتمه تحصیل در آمریکا، به کنیا بازگشت و در سال 1982 در یک سانحه رانندگی در آن کشور در گذشت.

«آن. دانهام» پس از جدایی از همسر اول خود، در سال 1967 با یک دانشجوی اندونزیایی ازدواج کرد و همراه پسر خود «باراک اوباما» وارد اندونزی شد و «باراک اوباما» تا سن ده سالگی در آن کشور سکونت داشت و به مدرسه می رفت. اما در سال 1971 به هاوایی به نزد مادر کلان و پدر کلان مادری خود بازگشت. او پس از خاتمه دوره مکتب در هنولولو به لس آنجلس رفت و وارد کالج «اکسیدنتال» شد. اما پس از دو سال، خود را به دانشگاه کلمبیا در نیویارک منتقل کرد و در آنجا پس از دریافت لیسانس در رشته «روابط بین الملل» در سال 1983 بعنوان یک کارمند در یک "شرکت خصوصی" و سپس با یک گروه تحقیقاتی وابسته به کلیسای «کاتولیک» در شیکاگو، ایالت ایلینوی، کار کرد. اما با ورود به دانشکده حقوق «دانشگاه هاروارد» در سال 1988، با کسب درجه دکترای حقوق در سال 1991 برای چند سال این شهر را ترک گفت و به شیکاگو بازگشت و ضمن کار در زمینه های مختلف حقوقی و دانشگاهی، به فعالیت های سیاسی پرداخت و به کرسی های ایالتی آن ایالت دست یافت و عضو سنای ایالتی آن ایالت شد.

از جمله اقدامات آقای اوباما در زمان عضویت در سنای ایالات متحده، مشارکت در تدوین طرح هایی مربوطه به شفافیت و بررسی های عملیات مالی دولت فدرال، مقابله با تخلفات انتخاباتی و کمک بشر دوستانه به جمهوری «کنگو» بوده است.

با آغاز رقابت های انتخاباتی سال 2008، سناتور «اوباما» با وجود تجربه اندک در تشکیلات دولتی واشنگتن، داوطلبی خود را برای احراز نامزدی «حزب دموکرات» اعلام داشت که رقابتی طولانی و فشرده با سناتور هیلاری کلینتون، همسر رئیس جمهوری پیشین آمریکا، را در پی آورد. و اینک با بدست آوردن 349 رای بر رقیبش «جان مکین» از حزب جمهوری خواهان، که صرفا توانسته 147 رای را از خود نماید، به حیث 44مین رئیس جمهور آمریکا انتخاب شده است و برنده انتخابات شناخته شد.

مردم آمریکا و جهان انتخاب او را با خوشی و ریختن اشک استقبال مینمایند. جیسی جیکسن برادر مایکل جیکسن در زمره کسانی بود که با شنیدن خبر پیروزی اوباما، اشک خوشی به چشمانش جاری شد. مردم افغانستان نیز در حالیکه خود را در این خوشی شریک میدانند، به سرنوشت کشورشان فکر میکنند و این پیروزی را یک "اپیزود جدید" در سیاست آمریکا میدانند و آرزو دارند تا تغییرات خوبی در سیاست جهان بوجود آید.

آمستردام – هالند 2008/11/06